جامعة المصطفى العالمية
Al-Mustafa International University
مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث

پژوهش‌نامه علوم حدیث تطبیقی ، سال هشتم، شماره ۱۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ص:۴۲۶-۴۴۹
Journal of Comparative Hadith Sciences, Fall and Winter ۲۰۲۲, ۸(۱۵), P:۴۲۶-۴۴۹

The Instance of "Confident Soul" (Nafs e Mutma'innah) in the Interpretive Narrations of the Two Major Sects of Islam*

Abdullah Mirahmadi[۱]
Marjan Bavafa[۲]

Abstract

The interpretation of the Holy Quran is sometimes done through the instances of revelation or the application of the narrations mentioned in the following verses. The commentators of the two major sects of Islam have mentioned different instances in some verses. . In Surah Fajr: ۲۷ one of this kind of topic where several instances have been mentioned by the interpreters for "Confident Soul" (Nafs e Mutma'innah) such like the Holy Prophet (P), the first caliph, the third caliph, Ibn Abbas while this surah is known as Surah of Imam Hossein (A.S). In addition to the narrations of the virtues of the surah, some commentators have adapted the context of the last verses of this surah to Imam Hossein (A.S). In this article, all the interpretive narrations under verses ۲۷ and ۲۸ of Surah Fajr have been analyzed and evaluated by the descriptive-analytical method and it has been determined that some of these narrations are weak in terms of authenticity. Some of the other narrations, although they are authentic in terms of authenticity, do not conform to "Confident Soul" (Nafs e Mutma'innah) in terms of concept. Several other instances are rejected due to the being Meccan of the surah, and finally, some instances are proved due to the context of the surah and the citation of the interpretation of other parts of the surah.

Keywords: Surah Fajr, "Confident Soul" (Nafs e Mutma'innah), Instances of "Confident Soul" (Nafs e Mutma'innah), Imam Hossein (A.S), Interpretive Narrations.

---

*. Date of receiving: ۰۵,۰٤,۲۰۲۱ -Date of approval: ۲۲,۱۱,۲۰۲۱.

۱. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran. (mirahmadi_a@khu.ac.ir)

۲. Candidate of Level ٤ (PhD) in Comparative Exegesis, Rafia'h Al-Mustafa Seminary School, Tehran, Iran, (Responsible Author); (bavafa۱۱۱@yahoo.com).

جامعة المصطفى العالمية
Al-Mustafa International University
مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث

پژوهش‌نامه علوم حدیث تطبیقی ، سال هشتم، شماره ۱۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ص:۴۲۶-۴۴۹
Journal of Comparative Hadith Sciences, Fall and Winter ۲۰۲۲, ۸(۱۵), P:۴۲۶-۴۴۹

مصداق «نفس مطمئنة» در روایات تفسیری فریقین*

عبدالله میراحمدی[۱] - مرجان باوفا[۲]

چکیده

تفسیر قرآن کریم گاهی از طریق شأن نزول یا تطبیق روایاتی که ذیل آیات بیان شده، صورت گرفته است. مفسران فریقین در بعضی از آیات، مصادیق مختلفی بیان کرده‌اند.«نفس مطمئنه» در آیهٔ بیست‌وهفتم سورهٔ فجر یکی از مصادیقی است که مفسران، افراد متفاوتی از جمله: پیامبرﷺ، خلیفه اول، خلیفه سوم، ابن‌عباس وغیره را تطبیق داده‌اند. در صورتی که سورهٔ فجر مشهور به سورهٔ امام حسینعليه‌السلام است. بعضی از مفسران افزون بر روایات فضیلت سوره، سیاق آیات آخر این سوره را به ایشان تطبیق داده‌اند.در این مقاله، به روش توصیفی - تحلیلی تمام روایات تفسیری ذیل آیات ۲۷ و ۲۸ سورهٔ فجر مورد تحلیل و ارزیابی انجام گرفته و مشخص گردید که بعضی از این روایات از جهت سندی ضعیف هستند.برخی دیگر از روایات اگرچه از نظر سند صحیح هستند، اما از جهت مفهومی با «نفس مطمئنه» تطبیق نمی‌کنند. تعداد دیگری از مصادیق به سبب مکی‌بودن سورهٔ مردود می‌شوند و در آخر تعدادی از مصادیق با وجود سیاق سوره و استناد به تفسیر قسمت‌های دیگر سوره اثبات می‌گردند.

واژگان کلیدی: سوره فجر، نفس مطمئنه، مصداق نفس مطمئنه، امام حسینعليه‌السلام، روایات تفسیری.

---

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۶ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۹/۰۱.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، (mirahmadi_a@khu.ac.ir) .

۲. دانش‌آموخته سطح چهار، رشته تفسیر تطبیقی، حوزه رفیعهٔ المصطفی(س)، تهران، ایران، (نویسندهٔ مسئول)؛ (bavafa۱۱۱@yahoo.com).

Journal of Comparative Hadith Sciences, Fall and Winter ۲۰۲۲, ۸(۱۵), P:٤٢٦-٤٤٩
The Instance of "Confident Soul" (Nafs e Mutma'innah)
in the Interpretive Narrations of the Two Major Sects of Islam
Abdullah Mirahmadi
Marjan Bavafa

مقدمه

آخرین کتاب آسمانی که برای هدایت تمام مردم نازل شده، قرآن است. به‌کارگیری رهنمودهای قرآن نیازمند به تفسیر آن است. تفسیر قرآن به گونه‌های مختلفی از جمله قرآن به قرآن، قرآن به سنت و غیره بیان شده است. یکی از روش‌های تفسیر قرآن به سنت، به‌کارگیری روایات است. روایات تفسیری به مواردی از جمله: تأویل، شأن نزول و جری و تطبیق و غیره اشاره دارند.

سوره فجر یکی از سوره‌های جزء سی‌ام قرآن است که نزد عموم شیعیان به سوره امام حسین علیه‌السلام مشهور است. دلیل این نام‌گذاری، روایاتی است که در فضیلت این سوره آمده که آن هم به‌سبب وجود آیات بیست و هفتم و بیست و هشتم این سوره«یا أَیتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِی إِلی رَبِّک راضِیةً مَرْضِیة» است. این آیات به «نفس مطمئنه» - از خدا راضی است و خدا هم از او راضی است - اشاره می‌کند. بحث میان مفسران بیان مصداق «نفس مطمئنه» است. آیا همهٔ مفسران فریقین به تطبیق امام حسین علیه‌السلام با «نفس مطمئنه» اشاره کرده‌اند؟ یا حداقل اکثر مفسران شیعه این تطبیق را ذکر کرده‌اند؟ براین اساس، با بررسی تفاسیر فریقین ذیل آیه مشخص می‌گردد که افراد مختلفی به‌عنوان تطبیق یا شأن نزول آیه اشاره شده است. در این مقاله روایاتی که مفسران ذیل آیه آورده و اشخاصی را که با آیه تطبیق داده‌اند مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

اغلب پژوهش‌هایی که پیرامون تفسیر سوره فجر صورت گرفته، در راستای معرفی یا مقایسهٔ چندین سوره جزء سی با سورهٔ فجر بوده است و تقریباً به میزان یک یا دو صفحه به تفسیرآیات ۲۷ و ۲۸ سوره‌ی فجر که «نفس مطمئنه» در آن است، پرداخته‌اند. برای نمونه پایان نامه‌ای با عنوان، «تفسیرتطبیقی روایی سوره‌های فجر و بلد از اهم تفاسیر مأثور فریقین» نگاشتهٔ حسین غفوری یا مقاله‌ای با عنوان «نقد و بررسی سندی و متنی روایات اسباب نزول سوره‌های نبأ تا فجر» از محمد جعفری و هادوی را می‌توان نام برد. ولی در این مقاله به گونهٔ اختصاصی همهٔ روایات تفسیری مصادیق «نفس مطمئنه» در تفاسیر فریقین مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

مفهوم‌شناسی «نفس مطمئنة»

واژهٔ «المطمئنه» از ریشهٔ (ط م ن) به معنی سکون، آرامش و انس است. (فراهیدی، ۱٤۰۹: ۲۰۲۰/٥) به کسی «مطمئنه» می‌گویند که آرامش دارد و مضطرب و پریشان نیست (فیومی، ۱٤۱٤:

پژوهش‌نامه علوم حدیث تطبیقی ، سال هشتم، شماره ۱۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ص:۴۲۶-۴۴۹
مصداق «نفس مطمئنة» در روایات تفسیری فریقین
عبدالله میراحمدی
مرجان باوفا

۳۷۸/۲). «نفس» نیز مطلق ذات است (قرشی، ۱۳۷۸: ۲۳۹/٤). پس «النفس المطمئنة» از نظر لغت، نفسی همراه با سکون و آرامش خاطر بعد از پریشانی است (راغب اصفهانی، ۱٤۲۳: ٥۲٥). براین اساس به خاطر آرامش نفسی که دارد بدون تردید و اضطراب فکری، آنچه را که قرآن آورده، تصدیق می‌کند و ترسی ندارد (ابن‌عاشور، ۱٤۲۰: ۳۰۱/۳۰). در این صورت «مطمئنه» یکی از صفات نفس است؛ چون نفس به صفات مختلفی متصف می‌شود (طیب، ۱۳٦۹: ۱۱٤/۱٤).

قرآن کریم نفس انسان را بر سه گونه؛ نفس امّاره، نفس لوّامه و نفس مطمئنه بیان می‌کند (کاشانی، بی‌تا، ۲٤٦/۱۰). نفس امّاره، انسان را به اعمال سوء مثل کفر، شرک، ضلالت، فسق و فجور وادار می‌کند (طیب، ۱۳٦۹ش: ۱۱٤/۱٤). چنان‌که خدای متعال می‌فرماید: «إنَّ النفسَ لَأمّارة بِالسوء إلاّ ما رَحِمَ ربّی» (یوسف: ٥۳) و نفس لوّامه، خود را به انجام اعمال زشت ملامت می‌کند و پشیمان می‌شود: «خَلَطُوا عَمَلًا صالِحاً وَ آخَرَ سَیئاً عَسَی اللَّهُ أَنْ یتُوبَ عَلَیهِم» (توبه: ۱۰۲).

«نفس مطمئنة» کسی است که طاعت خدا را انجام و از گناهان دوری می‌کند و هنگام مرگ و روز قیامت به ثواب و نعمت‌ها بشارت داده می‌شود (طوسی، بی‌تا، ۳٤۱/۱۰؛ قرشی، ۱۳۷٥ش: ۲۲٤/۱۲). پس کسی دارای «نفس مطمئنه» است که به نهایت یقین رسیده باشد و هیچ گونه تزلزل و اضطراب و شک و شبهه‌ای در قلب او ایجاد نشود (ثعالبی، ۱٤۱۸: ٥۸۸/٥). چنان چه حضرت إبراهیم علیه‌السلام می‌فرماید: «وَلکنْ لِیطْمَئِنَّ قَلْبِی» (بقره: ۲٦۰) «نفس مطمئنه» وعده‌های الهی را تصدیق می‌کند و به وعده‌های الهی اطمینان دارد (طبری، ۱٤۱۲: ۱۲۱/۳۰) و در برابر عوامل دنیایی و هواهای نفسانی دارای آرامش است و صبر می‌کند (بغوی، ۱٤۲۰: ۲٥۳/٥) و در مقابل ناملایمات دنیا مضطرب و پریشان نمی‌شود. این ثبات و اطمینان تنها برای نفسی که دارای ایمان کامل است و پیوسته به یاد پروردگارش می‌باشد؛ ایجاد می‌شود (کاشانی، بی‌تا، ۲٤٦/۱۰). چنان‌چه خدای متعال می‌فرماید: «أَلا بِذِکرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸).

کسی که نفس مطمئنه دارد، راضی به قضای الهی است (بغوی، ۱٤۲۰: ۲٥۳/٥؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ٤۸۰/۲۰). پس دنیا را یک زندگی مجازی و داشتن و نداشتن و نفع و ضرر آن را امتحانی الهی می‌داند، در نتیجه اگر غرق در نعمت دنیایی شود، به طغیان و گسترش دادن به فساد و به علو و استکبار وادار نمی‌شود و اگر دچار فقر و فقدان گردد این تهی دستی و ناملایمات او را به کفر و ترک شکر وانمی‌دارد، بلکه هم‌چنان در عبودیت پای برجا است و از صراط مستقیم منحرف نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ٤۸۱/۲۰)؛ لذا «نفس مطمئنه» یکی از صفات نفس زکیه است که تالی تلو

عصمت است که هیچ آلودگی در قلبش نمی‌باشد (طیب، ۱۳٦۹: ۱۱٤/۱٤) و هنگام مرگ، او را به بهشت بشارت می‌دهند و روز قیامت صورتش سفید است و نامهٔ عملش را با دست راست می‌گیرد (استر آبادی، ۱٤۰۹: ۷٦۹).

صاحب «نفس مطمئنه» در مسیر اعتقاد صحیح، تردیدی ندارد و در دنیا به آنچه رسولان آورده‌اند، یقین دارد که حق است و در اثر آن آرامش دارد (ابن‌عاشور، ۱٤۲۰: ۳۰٤/۳۰-۳۰۱). «نفس مطمئنه» حکایت احوال کسانی است که اطمینان به ذکر خدا و طاعت او و همچنین اطمینان به دنیا دارند (آلوسی، ۱٤۱۵: ۳٤۵/۱۵). فخررازی معتقد است؛ در کیفیت این استقرار و اطمینان دو وجه یقین به حق و ایمنی از ترس و اندوه وجود دارد و هنگام مرگ این قول شنیده می‌شود: «أَلاَّ تَخافُوا وَ لا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ» (فصلت: ۳۰) (فخر رازی، ۱٤۲۰: ۱/۳۱ ۱٦).

مفسران در زمان اتفاق ندای آیه «یا أَیتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِی إِلی رَبِّک راضِیةً مَرْضِیة» اختلاف دارند. اکثر مفسران، زمان ندا را در هنگام مرگ یا برانگیخته شدن از قبر یا در هنگام دخول به بهشت بیان کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۸۵ ش، ج٦، ص٦۳۷). امّا قول ضعیفی وجود دارد که: ندا همین الآن برای مؤمنین اتفاق می‌افتد و یا این ندا در موقف زمانی که اهل آتش به آتش رها می‌شوند، صورت می‌گیرد. بعضی از مفسران معتقدند: مانعی ندارد که ندا همه جایگاه‌ها را شامل شود (ثعالبی، ۱٤۱۸: ۵۸۸/۵).

براساس تعاریف مختلف مفسران فریقین پیرامون «نفس مطمئنه» مشخص گردید؛ هرکسی شایستگی این مقام را ندارد؛ چون باید به سر حدّ یقین رسیده باشد و ایمان کاملی داشته و به قضای الهی راضی باشد. براین اساس باید مصادیقی که مفسران ذیل تبیین آیه ۲۷و۲۸ سوره فجر آورده‌اند؛ مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص گردد کدام یک از مصادیق شأن نزول یا تطبیق «نفس مطمئنه» هستند.

نقد و بررسی دیدگاه مفسران فریقین در مبحث مصادیق «نفس مطمئنة»

مفسران ذیل آیه۲۸ و۲۷ سوره فجر «یا أَیتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِی إِلی رَبِّک راضِیةً مَرْضِیة» با استناد از روایات، مصادیق مختلفی از جمله: پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام، امام حسین علیه السلام، خلیفه اول، خلیفه سوم، حمزه، حبیب بن عدی انصاری، ابن‌عباس و مؤمن شیعه اهل‌بیت علیهم السلام را بیان کرده‌اند. بعد از معرفی این مصادیق باید هر یک از روایات مرتبط با آنها بررسی شود تا مشخص گردد؛ کدام مصادیق، شأن نزول آیه به حساب می‌آید و کدام یک از طریق جری و تطبیق، استناد به آیه شده

است و کدام مصداق شامل آیه نمی‌شود. براین اساس لازم است اکثر روایات ذیل آیه از جهت سندی و محتوایی بررسی گردند؛ لذا به هر یک از مصادیق به‌طور جداگانه با دو بخش معصومان و غیر معصومان اشاره می‌شود.

۱. معصومان علیهم‌السلام

بعضی از مفسران ذیل آیه ۲۷ سوره فجر، روایاتی را بیان کردند که مصداق «نفس مطمئنه» را پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله یا امام علی علیه‌السلام و یا حتی امام حسین علیه‌السلام تطبیق داده‌اند که به هریک از روایات اشاره می‌گردد.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله: سیوطی مفسر مشهور اهل سنت، در بین روایاتی که ذیل آیه آورده؛ تنها یک روایت را از ابن‌عباس از طریق ابن‌مردویه نقل می‌کند که براساس آن مصداق این آیه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله است (سیوطی، ۱٤۰٤: ۳۵۰/٦). شوکانی نیز ضمن نقل این روایت، بر این باور است که مراد آیه عموم نفس‌های مطمئنه است و نزول آن دربارهٔ نفس خاص، منافاتی با عمومیت آن ندارد؛ زیرا خصوص سبب نزول نافی عمومیت آیه نمی‌شود (شوکانی، ۱٤۱٤: ۵۳۷/۵).

نقد و بررسی: از لحاظ عقلی، بدیهی است که مصداق اتم آیه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و پس از ایشان، ائمه اطهار علیهم‌السلام هستند و این مسئله منافاتی با عمومیت آیه و شمول آن نسبت به هر نفس مطمئنه‌ای ندارد. اگر چه بر این اساس، متن روایت کتاب الدر المنثور قابل پذیرش است، اما از لحاظ سندی دارای اشکال است. دلیل این امر نیز آن است که با جستجو در منابع متقدم تفسیری و روایی هیچ اثری از روایت فوق نیست و این روایت اولین بار توسط سیوطی نقل شده است.

امام علی علیه‌السلام: تفسیر قمی از تفاسیر اثری شیعه، تنها یک روایت نقل کرده که منظور از آیه ۲۷ سوره فجر، برگشتن به ولایت علی علیه‌السلام است: «علی بن ابراهیم از پدرش از عمرو بن عثمان از جابر از امام باقر علیه‌السلام چنین نقل کرده است: هنگامی که مؤمنی وفات می‌کند، منادی از نزد خدا ندا می‌دهد:ای نفس مطمئنه! به‌سوی ما به ولایت علی علیه‌السلام و راضی شده به ثواب برگرد» (قمی، ۱۳٦۳ش: ٤۲۲/۲).

حویزی و بحرانی از مفسران مشهور اثری شیعه نیز همین روایت را با استناد به تفسیر قمی بیان کردند (حویزی، ۱٤۱۵: ۵۷۷/۵؛ بحرانی، ۱٤۱۵: ٦۵٦/۵؛ بروجردی، ۱۳٦٦ش: ٤۱۱/۷). امّا استرآبادی که تأویل آیات ظاهری قرآن را پیرامون فضائل عترت طاهره جمع آوری کرده؛ به تفسیر قمی استناد نموده ولی شأن نزول آیه را به امام علی علیه‌السلام نسبت داده است. استرآبادی افزون بر این روایت،

حدیث دیگری به این مضمون نقل می‌کند: «محمد بن عباس از حسین بن احمد از محمد بن عیسی از یونس بن یعقوب از عبد الرحمن بن سالم و او نیز از امام صادق‌علیه‌السلام حدیث نقل می‌کند که آیه در شأن امام علی‌علیه‌السلام نازل شده است» (استرآبادی، ١٤٠٩: ٧٦٩). بحرانی نیز در تفسیرش این حدیث را بیان می‌کند و آدرس کتاب تأویل الآیات را ذکر می‌کند (بحرانی، ١٤١٥: ٦٥٧/٥).

دیلمی در کتابش، این روایت را با سندی کوتاه، ولی محتوای کامل آورده است. او در سند، تنها به عبدالرحمن بن الحجاج از امام صادق‌علیه‌السلام اکتفا کرده و روایت را این گونه کامل کرده: «آیه (یا أَیتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ* ارْجِعِی إِلی رَبِّک راضِیةً مَرْضِیةً* فَادْخُلِی فِی عِبادِی* وَ ادْخُلِی جَنَّتِی)، به معنی نفس امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام است که به آنچه در ولی خود دیده، راضی و به آنچه در دشمنش دیده، مرضی است» (دیلمی، ١٤٢٧: ١٦٧).

تفسیر فرات شیعی با یک سند دیگر به عبدالرحمان بن سالم از امام صادق‌علیه‌السلام شأن این آیه را حضرت علی‌علیه‌السلام بیان می‌کند «علی بن زهری از ابراهیم بن سلیمان از حسن بن محبوب از عبدالرحمان بن سالم» (کوفی، ١٤١٠: ٥٥٤).

برای تخریج یا مستندسازی این روایت، در کتاب حدیثی حسکانی اهل سنت نیز این روایت، مشاهده گردید (حسکانی، ١٤١١: ٤٢٩/٢).

نقد و بررسی: بررسی ارزیابی حدیث «إذا حضر المؤمن الوفاة نادی . . . الحدیث» مشخص گردید که این روایت مرفوع و ضعیف است. چون اولاً: روایت در تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی آمده که استناد آن کتاب به قمی مجهول است. (فتاحی زاده، ١٣٨٧: ١٥٨) و ثانیاً: با وجود اینکه عمرو بن عثمان و جابر بن یزید جعفی هر دو هم طبقه و از یاران امام باقر و امام صادق‌علیه‌السلام هستند، اما عمرو بن عثمان بر اساس دیدگاه علمای رجال از شاگردان جابر به‌شمار نیامده و به‌صورت مستقیم از او نقل نمی‌کند. (خوئی، ١٣٩٠: ٣٣٧/٤ و ١٢٥/١٤) بررسی سند روایات معتبر دیگر نشان می‌دهد میان عمرو بن عثمان و جابر بن یزید جعفی دو واسطه به نام‌های ابراهیم بن ایوب و عمرو بن شمر وجود دارد. (کلینی، ١٤٢٩: ٣١٧/٢) با این حال، در این زمینه روایت دیگری از کتب شیعه نقل شد که دیلمی سند کامل آن را ذکر کرده و برای مستند سازی نیز همان روایت از حسکانی مفسر معروف اهل سنت بیان گردید. (دیلمی، ١٤٢٧: ١٦٧؛ حسکانی، ١٤١١: ٤٢٩/٢)

امام حسین علیه‌السلام: تفسیر قمی، تنها یک روایت در ذیل آیه ٢٧سوره فجر در منقبت امام حسین‌علیه‌السلام بیان می‌کند: «جعفر بن احمد گفت: عبد الله بن موسی از ما حدیث نقل می‌کند، از حسن بن علی بن

ابی‌حمزه، از پدرش، از ابی‌بصیر، از امام صادق علیه‌السلام، در آیه: یا أیتها النفس المطمئنة* ارجعی إلی ربک راضیة مرضیة: «یعنی حسین بن علی علیه‌السلام». (قمی، ۱۳۶۳ش: ۴۱۹/۲)

بعضی از مفسران شیعه روایت را با ذکر سند از تفسیر قمی بیان کرده اند. (بحرانی، ۱۴۱۵: ۶۵۶/۵؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۵۷۷/۵) حتی بعضی دیگر براساس بیان علی بن ابراهیم، سند روایت را نیز ذکر نکرده اند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۲۸/۵؛ نهاوندی، ۱۳۸۶: ۴۹۲/۶)

نقد و بررسی: روایت مصداق امام حسین علیه‌السلام اگر چه در تفسیر قمی آمده که در مورد انتساب آن کتاب به قمی، مناقشاتی وجود دارد (فتاحی زاده، ۱۳۸۷: ۱۵۸) و کتب تفسیری شیعه نیز این روایت را به همان کتاب استناد کرده‌اند (بحرانی، ۱۴۱۵: ۶۵۶/۵؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۵۷۷/۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۲۸/۵؛ نهاوندی، ۱۳۸۶: ۴۹۲/۶)؛ ولی حرّ عاملی همان روایت را با سند «جعفر بن احمد که می‌گوید: عبد الله بن موسی روایت کرده از حسن بن علی بن ابی حمزه از پدرش از ابی بصیر از امام صادق علیه‌السلام» در وسائل الشیعه نقل کرده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۵۵/۱۶). همچنین این روایت در بحارالانوار با سند دیگری نقل شده است: «کنز جامع الفوائد و تأویل الآیات الظاهرة رَوَی محمدُ بْنُ الْعَبَّاسِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ بِإِسْنَادِهِ عَنْ صَنْدَلٍ عَنْ دَاود بْنِ فَرْقَدٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِاللَّهِ علیه‌السلام. . . الحدیث» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۳/۲۴) ولی در ارزیابی که صورت گرفته؛ سند در وسائل الشیعه، به خاطر واقفی بودن حسن بن علی بن ابی‌حمزه و پدرش علی مسند و ضعیف است. رجال کشّی به نقل از علی بن الحسن بن فضّال درباره حسن بن علی بن ابی‌حمزه بطائنی می‌گوید: «او دروغ‌گو و ملعون است. اگر چه روایات زیادی از او نقل شده و یک دوره تفسیر قرآن دارد؛ امّا من به خود اجازه نمی‌دهم حدیث زیادی از او نقل کنم. » (کشّی، ۱۴۰۹: ۴۰۵، ح ۷۵۹ و ص ۴۵۹، ح ۸۷۱ و ص ۴۶۷؛ ابن‌بابویه، ۱۳۸۵: ۲۳۵/۱) و همچنین سند یاد شده در بحارالانوار نیز به خاطر مجهول بودن محمد بن العباس، ضعیف است (ر ک خوئی، ۱۳۹۰ق: ۱۹۸/۱۶؛ غفوری، ۱۳۹۰ش: ۱۵۲).

براین اساس اگر چه سند روایاتی که مصداق «نفس مطمئنه» را امام حسین علیه‌السلام بیان می‌کنند؛ ضعیف است. ولی افزون بر تطبیق کامل مفهوم «نفس مطمئنه» بر ایشان، مستندات دیگری در سوره فجر بیان شده که تطبیق مصداق امام حسین علیه‌السلام بر «نفس مطمئنه» را تأیید می‌کنند که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

الف) روایات فضیلت تلاوت سوره فجر

در تفاسیر شیعه دو نوع روایت در فضیلت سوره فجر بیان شده است که هر دو، سوره فجر را سوره امام حسین‌علیه‌السلام می‌دانند. بعضی از تفاسیر شیعه روایتی از داود بن فرقد از حضرت صادق‌علیه‌السلام روایت نموده که فرمود: «سوره فجر را در نمازهای واجب و مستحب تلاوت کنید، آن سوره حسین بن علی‌علیه‌السلام است. کسی که آن را قرائت کند روز قیامت در درجه‌ای از بهشت با حسین‌علیه‌السلام است. همانا خدا عزیز و حکیم است.» بعضی از مفسران به آخر روایت «إن الله عزیز حکیم» اشاره‌ای نکردند (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۷۳۰/۱۰؛ کاشانی، ۱٤۲۳: ٤۱۷/۷؛ فیض کاشانی، ۱٤۱۵: ۳۲۸/۵؛ کاشانی، بی‌تا، ۲۲۹/۱۰؛ کاشانی، ۱٤۱۰: ۱٦۷۳/۳؛ شبّر، ۱٤۰۷: ٤۰۵/٦؛ حائری، ۱۳۸۸ش: ۱۳٦/۱۲؛ نهاوندی، ۱۳۸٦ش: ٤۹۲/٦؛ طیب، ۱۳٦۹ش: ۱۰۰/۱٤؛ بروجردی، ۱۳٦٦ش: ٤۰۲/۷).

بعضی از این تفاسیر از کتاب ثواب الاعمال و عقاب الاعمال (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸: ۱۲۳) این روایت را نقل کرده‌اند (بحرانی، ۱٤۱۵: ٦٤۹/۵؛ حویزی، ۱٤۱۵: ۵۷۱/۵؛ شاه عبدالعظیمی، ۱۳٦۳ش: ۱۸۵/۱٤).

نوع دوم روایات بیان می‌کند؛ رحمت خدا در این سوره است و این سوره براساس آیات انتهایی‌اش به امام حسین‌علیه‌السلام اختصاص پیدا کرده است؛ زیرا ایشان صاحب نفس مطمئن، راضی و مرضی هستند و یاران ایشان از خاندان پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله روز قیامت از خدا راضی هستند و این سوره مخصوص شیعیان امام حسین‌علیه‌السلام و شیعه خاندان پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله است. در انتهای روایت، به مابقی روایت نوع اول اشاره می‌کند: «روایت شده از حسن بن محبوب به اسنادش، از صندل، از داود بن فرقد، که امام صادق‌علیه‌السلام می‌فرماید: «سوره فجر را در نمازهای واجب و مستحب خودتان قرائت کنید، که همانا سوره حسین بن علی است و به آن سوره، علاقه‌مند کنید که خدا به شما رحم می‌کند، ابو اسامه که در آن مجلس حاضر بود، گفت: چگونه این سوره خاص حسین‌علیه‌السلام گردیده است؟ پس [امام] فرمود: «آیا کلام خدای تعالی را نشنیدی که می‌فرماید: یا أیتها النفس المطمئنة* ارجعی إلی ربک راضیة مرضیة* فادخلی فی عبادی* و ادخلی جنتی؟ یعنی حسین بن علی‌علیه‌السلام پس او صاحب نفس مطمئنه‌ای که راضی و مرضی است و یاران او از آل محمد (صلوات الله علیهم) از خدا در روز قیامت راضی هستند و او نیز از آنها راضی است، و این سوره برای حسین بن علی‌علیه‌السلام و شیعیان او خصوصا شیعیان آل محمد نازل شده است. کسی که به قرائت سوره فجر تداوم داشته باشد در

درجه‌ای از بهشت با حسین علیه‌السلام است، همانا خداوند عزیز حکیم است» (بحرانی، ۱۴۱۵: ۶۵۷/۵؛ استرآبادی، ۱۴۰۹: ۷۶۹؛ بروجردی، ۱۳۶۶ش: ۴۱۱/۷).

ب) نسبت "لیال عشر" به ائمه و دهه ی محرم

بعضی از روایات «والفجر» را امام زمان (عج) می‌دانند «و لیال عشر» را ائمه که یکی یکی به قائم (عج) سرایت می‌کنند. «شرف الدین نجفی به سند مرفوع از عمرو بن شمر از جابربن یزید جعفی از امام صادق علیه‌السلام، نقل می‌کند که فرمود: «فجر آن قائم علیه‌السلام و لیال عشر أئمة علیهم‌السلام از حسن (مجتبی) تا حسن (عسکری) و شفع أمیرمؤمنین و فاطمه (علیها السلام) و وتر آن خدایی که شریکی برای او نیست و «لیل» منظور دولت حبتر است که تا دولت حضرت قائم علیه‌السلام ادامه دارد» (بحرانی، ۱۴۱۵: ۶۴۹/۵؛ استرآبادی، ۱۴۰۹: ۷۶۶؛ بروجردی، ۱۳۶۶ش: ۴۰۳/۷).

برخی از مفسران شیعه در اقوال ضعیف منظور از عشر را در این آیات دهۀ محرم می‌دانند (طبرسی، ۱۴۱۲: ۷۳۶/۱۰؛ کاشانی، بی‌تا، ۲۳۰/۱۰؛ شاه عبدالعظیم، ۱۳۶۳ش: ۱۸۷/۱۴؛ سبزواری، ۱۴۰۶: ۳۶۲/۷؛ طیب، ۱۳۶۹ش: ۱۰۱/۱۴) اگر چه قول دهه ی ذی الحجه را قبول می‌کنند. (طوسی، بی‌تا، ۳۴۱/۱۰).

تعدادی از مفسران اهل سنت نیز در اقوالشان به دهۀ محرم اشاره می‌کنند؛ اگر چه بعضی از آنها این قول را ضعیف دانسته‌اند (طبری، ۱۴۱۲: ۳۰/؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۳۸۰۱۰۷/۸؛ صدیق حسن خان، ۱۴۲۰: ۴۴۲/۷). دلیل نسبت "لیال عشر" به دهۀ محرم را این گونه بیان می‌کنند: به دلیل این که روز اول سال است و امور زیادی دوباره حادث می‌شود. مانند: حج، روزه، زکات و . . . و در روایات آمده که بزرگ‌ترین ماه‌ها نزد خدا محرم است. خبر می‌دهد که محرم از ابتدا تا آخر شریف‌ترین ایام است؛ به خصوص عاشورا که شریف‌ترین روز است و باید در آن روز روزه گرفت (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۴۸/۳۱) و با فضیلت‌ترین ایام برای روزه بعد از ماه رمضان، ماه محرم است. یهود روز عاشورا را روزه می‌گرفتند و می‌گفتند این روز بزرگی است که موسی در آن نجات یافت و آل فرعون در آن غرق شد و موسی به شکرانه آن روزه می‌گرفت. بر این اساس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: ما احق به موسی از شما هستیم. پس رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله روزه می‌گرفت و امر به روزه می‌کرد. آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله در روایت دیگر می‌فرماید: در مخالفت با یهود روز نهم و دهم را روزه بگیرید. اگر در روز عاشورا در سفر هستید نیز می‌توان روزه گرفت. روزی است که انبیاء روزه می‌گرفتند. روز عاشورا روزی است که یهود آن را عید

گرفتند. کسی که برای خانواده‌اش در این روز وسعت دهد، خداوند در طول سال بر او وسعت می‌دهد. از پیامبر نقل می‌کنند که فرمود: من اکتحل بالإثمد یوم عاشوراء لم یرمد أبدا (ر ک: سمرقندی، ١٤١٦: ٥٧٧/٣؛ بغوی، ١٤٢٠: ٢٤٧/٥؛ ابن‌عطیه، ١٤٢٢: ٤٧٦/٥؛ ثعلبی، ١٤٢٢: ١٩١/١٠؛ خازن، ١٤١٥: ٤٢٣/٤؛ سیوطی، ١٤٠٤: ٣٤٥/٦- ٣٤٤؛؛ آلوسی، ١٤١٥: ٣٣٤/١٥؛ سیدقطب، ١٤٢٥: ٣٩٠٢/٦؛ ایجی، ١٤٢٤: ٤٨٤).

ج) یکی از مصادیق "شفع"

از میان مصادیق مختلف، مفسران حدود پنج روایت را نقل می‌کنند که منظور از "شفع" امام حسن و امام حسین علیهما السلام هستند. اگر چه هیچ کدام به سند روایت‌ها اشاره‌ای نکردند (قمی، ١٣٦٣ش: ٤١٩/٢؛ بحرانی، ١٤١٥: ٦٤٩/٥؛ حویزی، ١٤١٥: ٥٧١/٥؛ فیض کاشانی، ١٤١٥: ٣٢٤/٥، شبّر، ١٤٠٧: ٤٠٦/٦؛ شاه عبدالعظیمی، ١٣٦٣ش: ١٨٨/١٤؛ طیب، ١٣٦٩ش: ١٠٢/١٤؛ قرشی، ١٣٧٥ش: ٢٠٨/١٢؛ بروجردی، ١٣٦٦ش: ٤٠٤/٧). علامه طباطبایی در حالی که دیدگاه روز ترویه و عرفه را قبول کرده است. در بحث روایات به دو روایتی که منظور از شفع، امام حسن و امام حسین علیهما السلام هستند، اشاره می‌کند (طباطبایی، ١٣٩٠ق: ٢٧٩/٢٠).

٢. غیرمعصومان

بعضی از تفاسیر شیعی و اهل سنت افراد دیگری را به‌عنوان شأن نزول یا تطبیق آیه ذکر کرده‌اند. گاهی حمزه عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و یا خلیفه سوم و یا حبیب بن عدی را شأن نزول آیه بیان می‌کنند. گاهی نیز اشاره می‌کنند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خلیفه اول فرمود: هنگام مرگ تو، فرشته‌ای این آیه را می‌گوید، یا بیان می‌کنند هنگام مرگ ابن‌عباس، هاتفی این آیه را خوانده است. در روایات طولانی نیز اشاره شده که هنگام مرگ مؤمن شیعه اهل‌بیت علیهم السلام، این آیه خوانده می‌شود. براین اساس لازم است این روایات با مضامین مختلف بررسی گردد. امّا باید این مسأله را در نظر گرفت؛ که برخی از مطالب از اجتهادات تابعین و یا اصحاب است و اساساً به کلام آنها نمی‌توان استناد قطعی کرد.

حمزه بن عبدالمطلب: بعضی از مفسران اهل سنت شأن نزول آیه را "حمزه بن عبدالمطلب" بیان می‌کنند. گاهی بعضی از مفسران تنها اسم او را می‌آورند و بعضی دیگربه نقل از "بریدة بن الحصیب" اشاره می‌کنند که حمزه کشته شده است. برخی دیگر بیان می‌کنند زمانی که حمزه در احد به شهادت رسید، این آیه در شأن او نازل شده است (ابن‌کثیر، ١٤١٩: ٣٩٠/٨؛ ابن‌ابی حاتم، ١٤١٩: ٣٤٣٠/١٠).

بعضی از تفاسیر برای مصداق "حمزه"، به غیر از موارد فوق، دو روایت همراه با سند بیـان می‌کننـد. اولین روایت: «ابن‌منذر و ابن‌ابی حاتم از بریده مصداق «نفس مطمئنه» را نفس حمزه بیان می‌کننـد. » (سیوطی، ١٤٠٤: ٣٥٠/٦) و در روایت دوم: «ابن‌فنجویه می‌گوید: موسی بـن محمـد از ابن‌علویـه از اسماعیل از مسیب از ابراهیم از صالح بن حیان و از بریده حدیثی در ذیل این آیه نقل می‌کند که: منظور از نفس، حمزة بن عبد المطلب است که در روز احد به شهادت رسـیده و نفـس او نیـز نـزد پروردگـار تکریم شده و خداوند به او آرامش و کرامت داده است. » (ثعلبی، ١٤٢٢: ١٩١/١٠). نقد و بررسی ایـن مصداق، به دلیل وجه مشترک در قسمت «حبیب بن عدی» توضیح داده می‌شود.

خلیفه اول: تفاسیر اهل سنت یک روایت که مصداق آیـه خلیفـه اول اسـت را بـا اسـناد مختلـف و محتوای گوناگون بیان می‌کنند. «یا أیتها النفس المطمئنة ارجعی إلی ربـک راضـیة مرضـیة عنـد النبـی صلی الله علیه و سلم، فقال أبو بکر: إن هذا لحسن، فقال رسول الله صـلی اللـه علیـه و سـلم: " أمـا إن الملک سیقولها لک عند الموت" (طبری، ١٤١٢: ١٢٢/٣٠): در روایت آمده وقتی آیه نازل شد، ابـوبکر به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفت: این چه زیباست؟ پس پیامبر فرمود: اما فرشته‌ای به زودی این آیه را برای تو هنگـام مرگ می‌گوید.»

اختلافاتی که در این یک روایت به‌صورت ده گانه در تفاسیر اهل سنت بیـان شـده از جهـت ظـاهر روایت و همچنین در سند آن است. در محتوا تنها تفاوت در عبارت "این چه زیباست" که به دو صـورت آمده است. «إن هذا لحسن» (طبری، ١٤١٢: ١٢٢/٣٠؛ آلوسی، ١٤١٥: ٣٤٧/١٥) و «ما أحسن هـذا» (سیوطی، ١٤٠٤: ٣٥٠/٦؛ ابن‌ابی حاتم، ١٤١٩: ٣٤٣٠/١٠؛ ابن‌کثیر، ١٤١٩: ٣٩١/٨).

اسناد این روایت به گونه‌های مختلف آمده است: گاهی سند به‌طور کامل بیان شده «و أخـرج عبـد بن حمید و ابن‌جریر و ابن‌أبی حاتم و ابن‌مردویه و أبو نعیم فی الحلیة عن سعید بن جبیر قال قرئت عنـد النبی» (سیوطی، ١٤٠٤: ٣٥٠/٦؛ آلوسی، ١٤١٥: ٣٤٧/١٥) و گاهی به گونه کامل آمده که تنها یک یـا دو راوی متفاوت است: و قال ابن‌أبی حاتم: حدثنا علی بن الحسین، حدثنا أحمد بن عبد الـرحمن بـن عبد الله الدشتکی، حدثنی ابی‌عن أبیه عن أشعث عن جعفر عـن سـعید بـن جبیـر عـن ابن‌عبـاس» یـا «حدثنا أبو سعید الأشج، حدثنا ابن‌یمان عن أشعث عن سعید بن جبیر قال: قرأت عند النبی صلی اللـه علیه و سلم» (ابن‌ابـی حـاتم، ١٤١٩: ٣٤٣٠/١٠؛ ابن‌کثیـر، ١٤١٩: ٣٩١/٨) و گـاهی همـین سـند بـه گونه‌ای مختصر بیان گردیده است. به‌طور مثال، با انداختن چند راوی مطرح کردنـد. «طبـری از سـعید بن جبیر» (ابن‌عاشور، ١٤٢٠: ٣٠٤/٣٠-٣٠١) و گاهی اوقات نیز با تغییر چند راوی به گونـه اختصـار

آمده است. «أخرج ابن‌أبی حاتم و ابن‌مردویه و الضیاء فی المختارة من طریق سعید بن جبیر عن ابن‌عباس» (سیوطی، ١٤٠٤: ٣٥٠/٦).

حتی گاهی در تعدادی از اسناد روایت، مشاهده شده که به‌طور کامل همه راویان حدیث، جز یک نفر (سعیدبن جبیر) تغییر می‌کنند: «حدثنا أبو کریب، قال: ثنا ابن‌یمان، عن جعفر، عن سعید» (جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج٣٠، ص: ١٢٢) یا «و أخبرنی ابن‌فنجویه قال: حدثنا ابن‌حمدان قال: حدثنا المسوحی قال: حدثنا عمرو بن العلاء الحنفی قال: حدثنا ابن‌یمان عن أشعث عن جعفر عن سعید» (کنز العمال: ٤٨٥/١٢ ح ٣٥٥٩١ و ما بین معکوفین منه) ثعلبی، ١٤٢٢: ١٩١/١٠) یا «عن جعفر عن سعید» (الطبرانی، ٢٠٠٨م: ٥٠٠/٦) در برخی منابع نیز این روایت، بدون سند مطرح شده است. (ابن‌عطیه، ١٤٢٢: ٤٨٢/٥؛ فخر رازی، ١٤٢٠: ١٦ ١/٣١).

در انتهای بحث باید گفت که تنها یک سند روایت هست که با بقیه کاملاً متفاوت است: «و أخرج الحکیم الترمذی فی نوادر الأصول من طریق ثابت بن عجلان عن سلیم بن أبی عامر رضی الله عنه» (سیوطی، ١٤٠٤: ٣٥٠/٦؛ آلوسی، ١٤١٥: ٣٤٧/١٥).

نقد و بررسی: اگرچه سند روایت از طریق سعید بن جبیر صحیح به نظر می‌آید، ولی این روایت از جهت محتوایی صحیح نیست؛ زیرا براساس مفهوم «نفس مطمئنه» که در ابتدای بحث از دیدگاه مفسران فریقین بحث گردید، «نفس مطمئنه» به کسی گویند که به آنچه خداوند وعده داده است؛ یقین داشته باشد (طبری، ١٤١٢: ١٢١/٣٠) و هیچ ترسی از آخرت ندارد (ابن‌عاشور، ١٤٢٠: ٣٠/-٣٠١ ٣٠٤). در صورتی که موارد متعددی در اسناد امامیه موجود است که شواهدی در حیات خلیفه اول، مشاهده شده که نفس او مطمئن نبوده است؛ بلکه در شک به سر می‌برد. از جمله می‌توان ماجرای غار ثور را بیان کرد که در سوره (توبه: ٤٠) به آن اشاره شده که خلیفه اول می‌ترسید (طباطبایی، ١٣٩٠: ٢٨١/٩). یا فرار او در جنگ اُحد مصداق دیگری است (بیهقی، ١٤٠٥ق: ٢٦٣/٣؛ پیشوایی، ١٣٩٦ش: ٢٤٠ و٢٨٩). حتی در زمان رحلت پیامبر که ایشان دستور دادند با سپاه اسامه به جنگ روم بروند، خلیفه اول از جمله کسانی بود که از این فرمان سرپیچی نمود (همان: ٣٢٤).

خلیفه سوم: بعضی از مفسران اهل سنت به غیر از حمزه، خلیفه سوم را نیز ذکر کرده‌اند: «زمانی که چاه روم را بخشید یا هنگامی که چاه روم را خرید برای اهداف خیریه وقف کرد. » این روایت را با سند (نزلت فی معین. فعن الضحاک عن ابن‌عباس) بیان می‌کنند. گاهی نیز "خلیفه سوم" به تنهایی مصداق آیه قرار گرفته؛ که برای استناد به آن روایاتی همراه با سند در ذیل اشاره می‌گردد.

سه روایت به‌طور اختصاصی در تفاسیر اهل سنت، در مورد خلیفه سوم آمده است. روایت اول: «و إن أخرج ابن‌أبی حاتم من طریق جویبر عن الضحاک عن ابن‌عباس أنها نزلت فی عثمان بن عفان رضی الله تعالی عنه حین اشتری بئر رومة و جعلها سقآیهٔ للناس» (آلوسی، ۱٤۱۵: ۳٤۷/۱۵) روایت دوم با همان سند روایت اول آمده فقط بیان می‌کند که ابن‌عباس روایت را از پیامبر نقل می‌کند و روایت را طولانی‌تر و این‌گونه بیان می‌کند: «و أخرج ابن‌أبی حاتم من طریق جویبر عن الضحاک عن ابن‌عباس رضی الله عنهما أن النبی صلی الله علیه و سلم قال: «ضحاک از ابن‌عباس روایت می‌کند که پیامبرﷺ فرمود: کیست چاه رومه را بخرد و با این عمل خود، هم آب گوارا بنوشد و هم مورد آمرزش خدا قرار بگیرد. عثمان آن را خرید. پیامبرﷺ به او فرمود: آیا می‌توانی این چاه را محل آبخوری مردم قرار دهی؟ عرض کرد: بله، آن گاه خداوند آیه «یا ایتها النفس المطمئنه» را در شأن عثمان نازل کرد. » (ابن‌ابی حاتم، ۱٤۱۹: ۳٤۳/۱۰؛ سیوطی، ۱٤۰٤: ۳۵۰/٦).

روایت سوم از سند دیگر از ابن‌عباس این مصداق را بیان می‌کند. «و أخرج ابن‌مردویه عن ابن‌عباس رضی الله عنهما فی قوله یا أیتها النفس المطمئنة قال نزلت فی عثمان بن عفان رضی الله عنه» (سیوطی، ۱٤۰٤: ۳۵۰/٦).

نقد و بررسی: در سند روایتی که خلیفه سوم را شأن نزول آیه ۲۷ سوره فجر می‌داند، جز ضحاک و ابن‌عباس باقی زنجیره راویان ذکر نشده‌اند، علاوه برآن، روایات ضحاک بن مزاحم هلالی (۱۰۵ه) از ابن‌عباس ضعیف است؛ چون ضحاک بن مزاحم ابن‌عباس را ملاقات نکرده است (ابن‌ابی حاتم، ۱۳۷۱: ٤۵۹/٤-٤۵۸؛ مزی، ۱٤۱۳: ۲۹٤/۱۳) و بعضی ضحاک را تضعیف می‌دانند (مزی، ۱٤۱۳: ۲۹۳/۱۳). در سند دومی که این روایت نقل شده، ضحاک از طریق جویبر این روایت را نقل می‌کند، این روایت دچار ضعف شدیدتری است؛ چون جویبر، سخت ضعیف و غیر قابل اطمینان است (سیوطی، ۱٤۲۱: ۳۲۱/۲).

افزون بر تضعیف سند روایت، اولاً: جدا ساختن آیه ۲۷ از ادامه آیات و ادعای نزول آن بدون توجه به آنها، ادعایی غیر قابل اثبات است؛ چون اگر نزول یکپارچه سوره فجر مورد تردید باشد، هم سیاق بودن آیات۲۷ تا۳۰ سوره فجر، واقعیتی است که نمی‌توان در آن تشکیک کرد. ثانیاً: سوره فجر دهمین سوره‌ای است که در مکه نزول یافته است (دروزه، ۱۳۸۳: ۵۰۷/۵؛ نکونام، ۱۳۸۰: ۳۰۸) و «بئر رومه» چاهی در درّه مدینه می‌باشد که گفته‌اند خلیفه سوم آن را خریده و صدقه داد (یاقوت حموی، ۱۹۹۵م، ۲۹۹/۱).

حبیب بن عدی انصاری: شخص دیگری که مفسران به‌عنوان مصداق آیه بیان می‌کنند، "حبیب بن عدی انصاری" است. آنها اشاره می‌کنند که در چه موقعیتی از زندگی "حبیب" این آیه نازل شده است. «در حینی که اهل مکه او را به دار کشیدند و روی او را به مدینه کردند او گفت که (اللهم ان کان لی عندک خیر فحول وجهی نحو قبلتک) بار خدایا اگر مرا نزد تو منزلتی هست روی مرا به قبله کن حق سبحانه روی او را به قبله گردانید و هیچ کس قدرت آن نداشت که روی او را از آن برگرداند و به جانب دیگر کند» (آلوسی، ١٤١٥: ٣٤٧/١٥؛ کاشانی، بی‌تا، ٢٤٦/١٠؛ شاه عبدالعظیمی، ١٣٦٣ش: ٢٠٨/١٤).

– نقد و بررسی: عده‌ای از مفسران اهل سنت، بعد از بیان مصادیق حمزه، حبیب بن عدی، و خلیفه سوم؛ نتیجه می‌گیرند که پذیرفتن این مصادیق اقتضا می‌کند که آیات در مدینه نازل شده باشد. در صورتی که خودشان در ادامه می‌گویند: اتفاق اقوال این است که سوره فجر در مکه نازل شده است. ابن‌عاشور می‌گوید: مگر این که "دانی" از بعضی از علماء نقل کرده که سوره مدنی است و یا بنابر این که آیه منفصل از آنچه قبلاً مکتوب شده؛ باشد یا آیه با توقیف خاص، به دنبال ماقبلش به مناسبتی نازل شده باشد (ابن‌عاشور، ١٤٢٠: ٣٠٤/٣٠-٣٠١).

بعضی دیگر از مفسران بعد از بیان این اقوال، بیان می‌کنند که حکم آیه برای جمیع مؤمنان است (ثعلبی، ١٤٢٢: ١٩١/١٠؛ کاشانی، ١٤٢٣: ٤٢٩/٧؛ خازن، ١٤١٥: ٤٢٨/٤). براین اساس اظهر آن است که آیه بر عموم دلالت کند و اگر نزول آن مخصوص به حمزه یا حبیب باشد، حکم آن عام خواهد بود و کسانی که متصف به این صفت هستند را شامل می‌شود (کاشانی، بی‌تا، ٢٤٦/١٠؛ شاه عبدالعظیمی، ١٣٦٣ش: ٢٠٨/١٤). فخررازی نیز بعد از بیان مصادیق، گفته به عموم لفظ باید عبرت گرفت نه خصوص سبب آن (فخر رازی، ١٤٢٠: ١٦١/٣١).

بنابراین مصادیق حمزه، حبیب و خلیفه سوم مردود هستند؛ زیرا بنا بر اقوال اکثر مفسران شیعه و اهل سنت، سوره فجر مکی است (ابن‌کثیر، ١٤١٩: ٣٨٠/٨؛ بغوی، ١٤٢٠: ٢٤٧/٥؛ هواری، ج٤، ص٤٥٤؛ سمرقندی، ١٤١٦: ٥٧٧/٣؛ خازن، ١٤١٥: ٤٢٨/٤؛ کاشانی، بی‌تا، ٢٢٩/١٠؛ کاشانی، ١٤١٠: ١٦٧٣/٣؛ حائری، ١٣٨٨ش: ١٣٦/١٢؛ نهاوندی، ١٣٨٦ش: ٤٨٦/٦؛ شاه عبدالعظیمی، ١٣٦٣ش: ١٨٥/١٤؛ سبزواری، ١٤٠٦: ٣٦٢/٧؛ قرشی، ١٣٧٥ش: ٢٠٨/١٢؛ بروجردی، ١٣٦٦ش: ٤٠٢/٧؛ صدیق حسن خان، ١٤٢٠: ٤٤٢/٧).

پژوهش‌نامه علوم حدیث تطبیقی ، سال هشتم، شماره ۱۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ص:۴۲۶-۴۴۹
مصداق «نفس مطمئنة» در روایات تفسیری فریقین
عبدالله میراحمدی
مرجان باوفا

ابن‌عباس: بعضی کتب اهل سنت، تنها یک روایت از سعید بن جبیر آوردند که این آیه در زمان وفات ابن‌عباس، توسط هاتفی شنیده شده است: «و أخرج ابن أبی حاتم و الطبرانی عن سعید بن جبیر رضی الله عنه قال مات ابن‌عباس رضی الله عنهما بالطائف (بعضی این قسمت نیز در روایت ذکر کرده‌اند "فشهدت جنازته") فجاء طیر لم تر عین خلقته فدخل نعشه ثم لم یر خارجا منه فلما دفن تلیت هذه الآیة علی شفیر القبر لا یدری من تلاها یا أیتها النفس المطمئنة ارجعی إلی ربک راضیة مرضیة فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی: وقتی چون عبدالله بن عباس در طایف وفات کرد مرغی بیامد که بر شکل وی کسی ندیده بود و در نعش وی رفت و بیرون نیامد و در آن وقت که او را دفن کردند بر سر قبر وی از هاتفی می‌شنیدند که می‌گفت: یا أیتها النفس المطمئنة ارجعی إلی ربک راضیة مرضیة فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی. » (سیوطی، ۱٤۰٤: ۳۵۱/٦؛ ایجی، ۱٤۲٤: ٤۸٤؛ خازن، ۱٤۱۵: ٤۲۸/٤؛ نهاوندی، ۱۳۸٦: ٤۹۲/٦؛ کاشانی، بی‌تا، ۲٤۷/۱۰؛ صدیق حسن خان، ۱٤۲۰: ٤٤۲/۷). بعضی روایات به جای «لایدری من تلاها»، «لم یدر من قرأها» (بغوی، ۱٤۲۰: ۲۵٤/۵) آورده‌اند.

بعضی از مفسرین همین روایت را با یک سند دیگر بیان کرده‌اند: «حدثنا أحمد بن محمد بن یعقوب القصری بها قال: أخبرنا إسماعیل بن محمد بن إسماعیل بن بغداد قال: حدثنا الحسن بن عرفة قال: أخبرنی مروان بن شجاع الجزری، و أخبرنی ابن‌فنجویه قال: حدثنا ابن‌شنبه قال: حدثنا محمد بن علی بن سالم قال: حدثنا أحمد بن منبع قال: حدثنا مروان عن سالم الأفطس عن سعید بن جبیر» (ابن‌کثیر، ۱٤۱۹: ۳۹۱/۸؛ ابن‌ابی حاتم، ۱٤۱۹: ۳٤۳/۱۰؛ ثعلبی، ۱٤۲۲: ۱۹۱/۱۰).

نقد وبررسی: عبدالله بن عباس سه سال قبل از هجرت متولد شده است. لذا آیه ۲۷ سوره فجر که در مکه نازل شده، نمی‌تواند شأن نزول آیه باشد. از نظر سندی، تنها روایتی که در این زمینه آمده به سعید بن جبیر می‌رسد که او از تابعین و شیعیان امام علی علیه‌السلام و از شاگردان ابن‌عباس است و در رجال ثقه به حساب می‌آید (کشّی، ۱٤۰۷: ۱۲۰).

تطبیق مصداق ابن‌عباس با آیه امکان صحّت دارد؛ چون ابن‌عباس از مفسران بزرگ و از عالمان به تفسیر و رموز قرآن است و فراست و زکاوت او تا اندازه‌ای است که امام علی علیه‌السلام دربارهٔ او فرمود: «گویی از پشت پرده به غیب می‌نگرد» (احمدی میانجی، ۱٤۲٦: ۱۵۳/۲). ابن‌عباس پس از وفات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در جبههٔ امیرالمؤمنین علیه‌السلام بود و بیشترین شاگردی و علم آموزیِ وی، از امام علی علیه‌السلام بوده است. براساس این تحلیل، ابن‌عباس به‌عنوان یک شیعهٔ اعتقادی تمام عیار و ولایت مدار برای امام علی علیه‌السلام به حساب می‌آید (آیت‌اللهی، ۱۳۹۷ش: ۲۲-۲۹). سخن ابن‌عباس هنگام مرگش را مرحوم

کشّی در رجال خود این گونه ثبت کرده است: «اللّهم انّی احیی علی ما حیی علیه علی بن ابی‌طالب و اموت علی ما مات علیه علی بن ابی‌طالب» (کشّی، ١٤٠٧: ١٢٠). امّا باید دقّت شود که تطبیق، غیر از تفسیر است؛ زیرا تطبیقات میدان وسیعی دارد و هر کس به خیال خودش تطبیق می‌کند. ولی این‌ها خبر از اراده خداوند از آیه نیست.

مؤمن شیعه اهل‌بیت علیهم‌السلام: روایت طولانی در کتب شیعه وجود دارد که بیان می‌کند؛ عنوان «نفس مطمئنه» به شیعه اهل‌بیت علیهم‌السلام هنگام مرگ ندا داده می‌شود: «تعدادی از اصحاب ما از سهل بن زیاد از محمد بن سلیمان از پدرش از سدیر صیرفی روایت آورده که گفت: به امام صادق علیه‌السلام عرضه داشتم: فدایت شوم، یا بن رسول الله آیا مؤمن از مرگ و قبض روح خود کراهت می‌دارد؟ فرمود: نه به خدا سوگند، وقتی فرشته مرگ نزدش می‌آید تا روحش را قبض کند، مؤمن به جزع در می‌آید، و ملک الموت به او می‌گوید: جزع مکن، ای ولی خدا، به آن خدایی که محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را به نبوت مبعوث کرده من نسبت به تو دلسوزتر و مهربانتر از پدری مهربان هستم، اگر پدرت اینجا بود بیش از من به تو مهر نمی‌ورزید، چشم خودت را باز کن و ببین. آن گاه فرمود: در آن هنگام رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و أمیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و امامان از ذریه او در برابرش ممثل می‌شوند و به وی گفته می‌شود: این رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله است و این امیرالمؤمنین و این فاطمه و این حسن و این حسین و اینان امامان از ذریه اویند، که همه رفقای تو هستند. فرمود: پس مؤمن چشم خود باز نموده حضرات را تماشا می‌کند، در این هنگام ندا کننده‌ای از طرف رب العزة روح او را ندا می‌کند و می‌گوید: " یا أیتها النفس المطمئنة..."، ای نفسی که با دیدن محمد و اهل بیتش علیهم‌السلام اطمینان یافتی، به سوی پروردگارت برگرد، در حالی که به ولایت راضی و به ثواب مرضی هستی، پس داخل در بندگان من شو، یعنی در زمره محمد و اهل بیتش در آی و داخل جنت شو، پس در آن هنگام هیچ چیزی در نظرش محبوب‌تر از مرگ و ملحق شدن به منادی نیست» (کلینی، ١٤٢٩: ٣٣٩/٥؛ قمی، ١٣٦٣ش: ٤٢٢/٢؛ بحرانی، ١٤١٥: ٦٥٧/٥؛ حویزی، ١٤١٥: ٥٧٧/٥؛ طباطبایی، ١٣٩٠ق: ٤٧٩/٢٠؛ نهاوندی، ١٣٨٦: ٤٩٢/٦؛ شاه عبدالعظیمی، ١٣٦٣ش: ٢٠٨/١٤؛ طیب، ١٣٦٩ش: ١١٤/١٤؛ شبّر، ١٤٠٧: ٤٠٩/٦؛ کاشانی، ١٤١٠: ١٦٧٧/٣) (مجلسی، ١٩٦/٦ روایت ٤٩ به نقل از کافی (با اندکی اختلاف) و نیز شبیه به این مضمون در ج ٢٤ ص ٩٤ روایت ٧ به نقل از شیخ صدوق).

فرات کوفی همین روایت را با تغییرات جزئی و اسناد مختلف به دو صورت بیان کرده است. روایت اول را از قول ابوبصیر از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده است و روایت دوم «فرات نقل کرده از محمد بن

عیسی بن زکریا دهقان از محمد بن سلیمان دیلمی از پدرش نقل کرده که از افریقی شنیده که می‌گوید از امام صادق علیه‌السلام سؤال کردم و...» (کوفی، ۱٤۱۰: ٥٥٤-٥٥٣).

مانند این حدیث با سندی متفاوت در تفاسیر شیعه نیز بیان شده است. «أبو جعفر محمد بن بابویه (فضائل الشیعة: ٢٤/٦٧) عن أبیه، عن سعد بن عبد الله، عن عباد بن سلیمان، عن سدیر الصیرفی، قال: قلت لأبی عبد الله علیه‌السلام» (بحرانی، ۱٤۱٥: ٦٥٧/٥؛ استرآبادی، ۱٤۰۹: ۷٦۹؛ فیض کاشانی، ۱٤۱٥: ۳۲۸/٥؛ قرشی، ۱۳۷٥ش: ۲۲٥/۱۲؛ بروجردی، ۱۳٦٦ش: ٤۱۲/۷).

- نقد و بررسی: ارزیابی اولین روایتی که پیرامون مصداق مؤمن شیعه اهل‌بیت علیهم‌السلام نقل شد؛ مشخص گردید: این روایت، به خاطر غلو محمد بن سلیمان و غلو و کذب پدرش، مسند و ضعیف می‌باشد (کشّی، ۱٤۰۹: ۳۷٥؛ نجاشی، ۱۳٦٥: ۱۸۲). ولی روایات دیگری با اسناد مختلف وجود دارد که همین مضمون را بیان کرده‌اند.

بنابراین با توجه به تعریف«نفس مطمئنه» از دیدگاه فریقین و نقد و بررسی اکثر مصادیقی که در این زمینه بیان شد؛ مشخص گردید که این آیه شأن نزول خاصی نداشته است و در تطبیق مصداق آن بر افراد، در دورههای زمانی مختلف، هر کسی شایستگی و لیاقت مطابقت با «نفس مطمئنه» را ندارد. اگر چه یک حدیث از منابع شیعی و حدیث دیگر در منابع اهل سنت در مورد پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بیان شد ولی مصداق اتّم و اکمل این آیه اوست.

نتیجه‌گیری

براساس بررسی روایاتی که ذیل آیه بیست و هفت و بیست و هشت سوره فجر آمده، مشخص گردید؛ مفسران افراد متعددی از جمله: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، امام علی علیه‌السلام، امام حسین علیه‌السلام، حمزه، خلیفه اول، خلیفه سوم، حبیب بن عدی، ابن‌عباس و مؤمن شیعه اهل‌بیت علیهم‌السلام را به‌عنوان تطبیق یا شأن نزول مصداق «نفس مطمئنه» بیان کردند. در این مقاله، روایات هر یک از مصادیق به‌صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفت و روشن گردید:

۱. بعضی از این روایات از جهت سندی ضعیف هستند. ولی روایات دیگری با سند کامل در کتب شیعه آن را تأیید می‌کند.

۲. بعضی دیگر از روایات اگر چه از جهت سندی با وجود شخصیتی مانند سعید بن جبیر صحیح هستند ولی از جهت محتوایی نمی‌توان مصداق را به «نفس مطمئنه» تطبیق داد.

۳. مصادیق حمزه، حبیب بن عدی و خلیفه سوم به خاطر مکی بودن سوره، روایات بر آن تطبیق نمی‌کند. افزون بر آن روایات خلیفه سوم ضعیف است.

٤. هیچ یک از مصادیق نام برده، شأن نزول آیه به حساب نمی‌آیند.

٥. تعدادی از روایات که مصداق امام حسین علیه‌السلام را بیان کردند؛ اگر چه از نظر سندی ضعیف هستند ولی با توجه به مفهوم «نفس مطمئنه»، روایات فضیلت سوره و سیاق آیات دیگر سوره فجر از جمله مصادیق «شفع» و «لیال عشر» اثبات می‌گردند.

٦. اگرچه بعضی از مصادیق مذکور را می‌توان بر آیات تطبیق داد و حتی بعضی مفسران بر تطبیق عموم آیه اشاره می‌کنند؛ ولی مصداق اتّم و اکمل آیه، معصومان علیهم‌السلام به خصوص امام حسین علیه‌السلام هستند.

۷. براساس این مقاله مشخص گردید؛ کارکرد روایات تفسیری و روشنگری در مورد مصداق آیات نیاز به کار بیشتری دارد.

پژوهش‌نامه علوم حدیث تطبیقی ، سال هشتم، شماره ۱۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ص:۴۲۶-۴۴۹
مصداق «نفس مطمئنة» در روایات تفسیری فریقین
عبدالله میراحمدی
مرجان باوفا

فهرست منابع

۱. ترجمه قرآن، رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، قم: دار الذکر، ۱۳۸۴ش.
۲. ابن‌بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، قم: کتاب فروشی داوری، چاپ اول، ۱۳۸۵ش.
۳. استرآبادی، علی، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، قم: النشر الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
٤. ابن‌عاشور، محمدطاهر، تفسیر التحریر و التنویر، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، چاپ اول، ۱٤۲۰ق.
۵. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم ، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱٤۱۵ق.
٦. ابن‌عطیه، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱٤۲۲ق.
۷. ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم (ابن‌کثیر). بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول، ۱٤۱۹ق.
۸. ابن‌ابی‌حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، ریاض، مکتبة نزار مصطفی الباز، چاپ سوم، (۱٤۱۹ق.
۹. ابن‌ابی‌حاتم، عبدالرحمن بن محمد، الجرح و التعدیل، بیروت: دارإحیا التراث العربی، ۱۳۷۱.
۱۰. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الائمه، قم: دارالاحدیث، چاپ اول، ۱٤۲٦ق.
۱۱. آیت‌اللهی، سیدعلی، جریا نشناسی تشیع در قرن اول: بررسی موردی رویکرد اعتقادی ابن‌عباس و عباسیان به امامت، امامت پژوهی، پاییز و زمستان، شماره ۲٤، ۱۳۹۷.
۱۲. ایجی، محمد عبدالرحمن، جامع البیان فی تفسیر القرآن ، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱٤۲٤ق.
۱۳. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیرالقرآن، قم: موسسة البعثة، قسم الدراسات الإسلامیة، چاپ اول، ۱٤۱۵ق.
۱٤. بغوی، حسین بن مسعود، تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل، بیروت: دارإحیاء التراث

العربی، چاپ اول، ١٤٢٠ق.
١٥. بروجردی، محمدابراهیم، تفسیر جامع، تهران: کتابخانه صدر، چاپ ششم، ١٣٦٦.
١٦. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، چاپ اول، ١٤١٨ق.
١٧. بیهقی، (١٤٠٥ق. دلائل النبوة، بیروت: دارالکتبة العلمیة، چاپ اول.
١٨. پیشوایی، مهدی، تاریخ اسلام (از جاهلیت تا رحلت پیامب (ص. قم: دفتر نشر معارف، چاپ سی و دوم، ١٣٩٦.
١٩. ثعلبی، احمد بن محمد، الکشف و البیان، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، چاپ اول، ١٤٢٢ق.
٢٠. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر الثعالبی المسمی بالجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، چاپ اول، ١٤١٨ق.
٢١. حسکانی، عبید الله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تهران: التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مجمع إحیاء الثقافة الإسلامیة، چاپ اول، ١٤١١ق.
٢٢. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیرنورالثقلین، قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم، ١٤١٥ق.
٢٣. حائری طهرانی، مقتنیات الدرر، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول. علی، ١٣٣٨.
٢٤. حجتی، سید محمد باقر، تحقیق درباره ابن‌عباس و مقام وی در تفسیر، مقالات و بررسی ها، بهار، شماره ١٧و١٨، ١٣٥٣.
٢٥. حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البیت لإحیاءالتراث، ١٤٠٩ق.
٢٦. خازن، علی بن محمد، تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ١٤١٥ق.
٢٧. خوئی، سید ابوالقاسم، معجم الرجال الحدیث، قم: الثقافة الاسلامیة، چاپ اول، ١٣٩٠ق.
٢٨. دروزه، محمد عزّت، التفسیر الحدیث، قاهره، إحیاء الکتب العربیة، ١٣٨٣.
٢٩. دیلمی، حسن بن محمد، غرر الأخبار و درر الآثار فی مناقب ابی‌الأئمة الأطهار (ع. قم: دلیل ما، چاپ اول، ١٤٢٧ق.
٣٠. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، قم: نشر شریعت، چاپ دوم، ١٤٢٣ق.
٣١. سبزواری، محمد، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، چاپ

اول، ۱۴۰۶ق.
۳۲. سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، بیروت: دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
۳۳. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، قم: آیت‌الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۳۴. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، الإتقان فی علوم القرآن، بیروت: ناشردار الکتاب العربی، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.
۳۵. شاه‌عبدالعظیمی، حسین، تفسیر اثنی عشری، تهران: میقات، چاپ اول، ۱۳۶۳.
۳۶. شبر، عبدالله، الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، کویت، شرکة مکتبة الالفین، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۳۷. شوکانی، محمد بن علی، فتح القدیر، دمشق، دار ابن‌کثیر، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۳۸. صدیق‌حسن‌خان، محمدصدیق، فتح البیان فی مقاصد القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۳۹. صنعانی، عبدالرزاق، تفسیر القرآن العزیز المسمّی تفسیر عبدالرزاق، بیروت: دار المعرفة، چاپ اول. ، ۱۴۱۱ق.
۴۰. طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی. اردن، دارالکتاب الثقافی، چاپ اول، ۲۰۰۸م.
۴۱. طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، اسلام، تهران: چاپ دوم، ۱۳۶۹.
۴۲. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفة، بیروت: چاپ اول، ۱۴۱۲.
۴۳. طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۰جلد، دار إحیاء التراث العربی، لبنان، بیروت: چاپ اولt بی‌تا،
۴۴. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، عربی، لبنان، نشرمؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.
۴۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
۴۶. غفوری، حسین، تفسیر تطبیقی روایی سوره‌های فجر و بلد از اهم تفاسیر مأثور فریقین، استاد

راهنما: عبدالهادی مسعودی، دانشکده علوم حدیث، رشته علوم حدیث، کارشناسی ارشد، ۱۳۹۰.
٤٧. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تهران: مکتبة الصدر، چاپ دوم، ١٤١٥ق.
٤٨. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب. بیروت: دار إحیاء التراث العربی، چاپ سوم، ١٤٢٠ق.
٤٩. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: هجرت، چاپ دوم، ١٤٠٩ق.
٥٠. قرشی بنابی، علی‌اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
٥١. قرشی بنابی، علی‌اکبر، قاموس قرآن، جلد ٥، بی‌جا، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۸ .
٥٢. قطب، سید،فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق، چاپ سی و پنج، ١٤٢٥.
٥٣. قمی مشهدی، محمد، تفسیر کنزالدقائق و بحرالغرائب، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، چاپ اول، ١٣٦٨.
٥٤. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیرالقمی، قم: دار الکتاب، چاپ سوم، ١٣٦٣.
٥٥. فتاحی‌زاده، فتحیه، اعتبارسنجی روایات تفسیری علی بن ابراهیم در تفسیر قمی، مطالعات اسلامی، شماره٨٠، ۱۳۸۷.
٥٦. فیومی، احمدبن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم: دارالهجره، چاپ اول، ١٤١٤ق.
٥٧. کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله، زبدة التفاسیر، قم: مؤسسة المعارف الإسلامیة، چاپ اول، ١٤٢٣.
٥٨. کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله، منهج الصادقین فی إلزام المخالفین، تهران: کتابفروشی اسلامیه، چاپ اول، بی تا.
٥٩. کاشانی، محمد بن مرتضی، تفسیر المعین، قم: کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی (ره. چاپ اول، ١٤١٠.
٦٠. کشّی، محمد بن عمر، رجال الکشی، مشهد، مؤسسه دانشگاه مشهد، ١٤٠٩.
٦١. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، قم: دار الحدیث، چاپ اول، ١٤٢٩.
٦٢. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، چاپ اول، ١٤١٠.
٦٣. مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوارالجامعة لدررأخبارالأئمة الأطهار، بیروت: دار إحیاء التراث

العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
٦٤. محمد جعفری، رسول، هادوی، اصغر، نقد و بررسی سندی و متنی روایات اسباب نزول سوره‌های نبأ تا فجر، مطالعات فهم حدیث، زمستان، شماره۱، ۱۳۹۳.
٦٥. مزی، یوسف بن عبدالرحمن، تهذیب الکمال، تحقیق: بشارعواد معروف، بیروت: مؤسسه الرسالة، چاپ اول، ۱٤۱۳ق.
٦٦. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم: النشر الاسلامی، چاپ ششم، ۱۳٦٥.
٦٧. نکونام، جعفر، درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، بیروت: نشر هستی نما، چاپ اول، ۱۳۸۰.
٦٨. نهاوندی، محمد، نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: موسسة البعثة، چاپ اول، ۱۳۸٦.
٦٩. یاقوت حموی، شهاب الدین ابو عبدالله، معجم البلدان، بیروت: دار صادر، ۱۹۹٥م.
۷۰. هواری، هود بن محکم، تفسیر کتاب الله العزیز، دار البصائر، بی‌جا، چاپ اول، ۱٤۲٦.